

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
Influential Movements on Sustainability Concept at Neighborhood
Scale (An Analysis on Theories)
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

جنبش‌های مؤثر بر مفهوم پایداری در مقیاس محلات
(تحلیلی بر نظریه‌ها)*

حمید محبی^۱، منصوره طاهباز^{۲*}

۱. پژوهشگر دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.
۲. دانشیار گروه ساختمان، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۰/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۸/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۴

چکیده

بیان مسئله: مفهوم پایداری به شکل روزافزون به عنوان مؤلفه‌ای مهم در شکل‌گیری محیط مصنوع مطرح می‌شود. این موضوع به خصوص در محلات به عنوان واحد سازنده شهرها و سازمان‌دهنده دانه‌های معماری اهمیت می‌یابد. اما پیاده‌سازی و به‌عمل‌درآمدن این مفهوم در جهان واقع بیش از هر چیز نیازمند شناخت و داشتن فهمی دقیق از آن است.

هدف پژوهش: این مطالعه با هدف ارائه درک بهتری از مفهوم امروزی پایداری در مقیاس محلات و باز نمودن زمینه برای تحول و تکامل آن صورت گرفته.

روش پژوهش: این پژوهش با رویکردی تحلیلی و با بهره‌گیری از روش تحقیق زمین‌های به واکاوی اصول پایداری در جنبش‌های مؤثر بر ساخت محلات در ۱۵۰ سال گذشته می‌پردازد و در انتها رویکردهای مشترک و همچنین مشخص کردن وجوهی از آنها که در فهم امروزی از پایداری مشارکت دارند را شناسایی می‌کند. این جنبش‌ها دربرگیرنده پارک‌ها و زمین‌های بازی، باغشهرها، واحد همسایگی، برنامه‌ریزی اکولوژیکی منطقه‌ای، مدرنیسم، نوسنت‌گرایی، شهرسازی منظرگرا-بومگرا و اکوشهرها می‌شود که البته مکاتب مؤثر محدود به موارد بیان شده نیست و نویسندگان بر پایه میزان اهمیت، گستره تأثیر و محدودیت‌های مقاله، به انتخاب آنها پرداخته‌اند.

نتیجه‌گیری: با بررسی راهبردها و اصول جنبش‌های معماری-شهرسازی که بر محلات تأثیرگذار بوده‌اند، دنباله‌ای به هم‌پیوسته از نظرها و افکار برآمده از حیطه‌های تخصصی مختلف قابل مشاهده خواهد بود که هر یک به عنوان پاسخی به چالش‌های زندگی شهری در زمان خود مطرح شده‌اند و نظر به میزان اثربخشی، جایگاه خود را در طول زمان در چارچوب مفهوم پایداری تثبیت نموده‌اند. به عبارتی مفهوم امروزی پایداری را می‌توان پدیده‌ای منعطف و تکامل‌یافته در طول زمان دانست که حاصل مشارکت جنبش‌های گذشته و برآیند تجارب موفق آنهاست. این مقاله همچنین در ادامه این روند با توجه به گسترش سیستم‌های ارزیابی محلات در راستای جنبش‌های با غلبه رویکرد برنامه‌ریزانه، مدیریت پایداری را به عنوان جریان مؤثر بر ساخت محلات در دهه اخیر شناسایی و معرفی می‌کند.

واژگان کلیدی: پایداری محلات، جنبش‌های پایداری محلات، شاخص‌های پایداری محلات.

مقدمه

می‌شود، تلاش برای ایجاد محیطی پایدار است. چرا که یکی از مسائل اصلی پایداری آن است که چگونه می‌توان از نسل بشر بر روی زمین محافظت کرد یا به عبارتی روابط

یکی از راه‌حلهایی که در مواجهه با چالش‌های امروز دنیا همچون تغییرات اقلیمی و ازدست‌رفتن منابع طبیعی ارائه

طوسی» در دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه شهید بهشتی در حال انجام است.
**نویسنده مسئول: M-tahbaz@sbu.ac.ir، ۰۹۱۲۳۱۱۴۰۲۳

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری «حمید محبی» با عنوان «چارچوب ارزیابی پایداری محیطی محلات شهر تهران» است که به راهنمایی دکتر «منصوره طاهباز» و دکتر «نیلوفر رضوی» و مشاوره دکتر «سحر ندایی»

- در دوره حاضر جریان تأثیرگذار بر پایداری محلات کدام است؟

پیشینه پژوهش

مبحث پایداری محلات حوزه نسبتاً جدیدی است و عمده مطالعاتی که به آن پرداخته‌اند در دهه دوم قرن بیست و یکم و پس از همه‌گیری دیدگاه‌های کل‌نگر و در حیطه پایداری بوده است، چرا که قابلیت پیاده‌سازی پایداری در مقیاس محلات در مقایسه با ساختمان‌ها به سبب امکان مشارکت مؤلفه‌های اجتماعی و اقتصادی بیشتر است. با این حال می‌توان بسیاری از دیدگاه‌های مطرح در پایداری محلات را در دوره‌های حتی قبل از ظهور گفتمان پایداری پی گرفت. در این رابطه لوییس مامفورد (Mumford, 1927, 1954) یکی از اولین کسانی بود که به بررسی جریان‌های غالب در طراحی محلات پرداخت. مایلز (Miles, 2007) و فیشمن (Fishman, 1982) هر یک در کتاب‌هایی جداگانه با عنوان «آرمانشهرها» به بررسی دیدگاه‌های ایده‌آلیستی در این زمینه پرداخته‌اند. همچنین گروهی از پژوهشگران همچون سیلور، باسیاجو، ژیلت، روه و شریفی (Basiago, 1996; Gillette Jr, 1983; Rohe, 2009; Sharifi, 2016; Silver, 1985) مکاتب تأثیرگذار بر محلات را تفکیک‌شده و با نظمی تاریخی ذکر کرده‌اند که البته رویکرد اجتماعی در غالب نحله‌های مورد بررسی‌شان مشهود است. در مقابل دنیلز و ویلر (Daniels, 2009; Wheeler, 2013) رویکردی عمدتاً محیطی را در این بررسی تاریخی برگزیده‌اند. در کنار مطالعات بالا طیف وسیعی از پژوهشگران به بسط و تبیین یک مکتب و یا بررسی ارتباط آن با موضوعات دیگر پرداخته‌اند که شامل نظریه پردازان اصلی مکاتب نیز می‌شوند. بر این اساس به‌طور مثال نوشته‌های کاپروتی (Caprotti, 2014, 2015) به نظریه اکوشهر، مامفورد (Mumford, 1954) و پری (Perry, 1929) به واحد همسایگی، وو (Wu, 2008, 2013, 2014, 2019) به بومگرایی و بسط اکولوژی شهری پرداخته‌اند که در جدول ۱ نمونه‌هایی از این منابع ذکر شده است. قابل توجه آنکه مطالعات گذشته در حیطه پایداری محلات عمدتاً بخشی‌نگر و گزینشی عمل کرده‌اند درحالی‌که این مطالعه سعی کرده جریان‌های اثرگذار از حیطه‌های معماری، معماری منظر و شهرسازی را در مطالعه دخیل کند و نگاهی جامع‌تر به موضوع داشته باشد. همچنین با توجه به غلبه نحله‌های با رویکرد انسان‌محور در مطالعات گذشته، این مقاله وزن بیشتری به جنبش‌هایی با رویکرد نزدیک به دیدگاه بوم‌محور اختصاص داده است. از طرفی با شناسایی و معرفی جریان مدیریت پایداری، افق‌های جدیدی را می‌گشاید.

انسان و محیط به چه صورت باشد تا تضمین‌کننده ادامه حیات بشر بر زمین باشد. در مسیر پیاده‌سازی پایداری اما مهمترین چالشی که با آن مواجه هستیم فهم سطحی و تقلیل‌گرایانه از این مفهوم است که عملاً در حیطه عمل و ساخت محیط‌های پایدار، نتایجی معکوس به بار می‌آورد. در این راستا برای دستیابی به محیطی پایدار پیش از همه، دستیابی به درکی از مفهوم پایداری ضروری به نظر می‌رسد. تعاریفی که در سال‌های اخیر از محله پایدار مطرح شده‌اند عموماً دربرگیرنده مجموعه‌ای از ویژگی‌ها مانند تأمین فضای سبز، حمل‌ونقل عمومی کارا، کاربری مختلط، حفاظت از منابع طبیعی و مشارکت عمومی بوده‌اند و فضاهای واجد این ویژگی‌ها را پایدار نامیده‌اند که نمود آنها را می‌توان در سیستم‌های ارزیابی پایداری محلات مانند LEED-ND و BREEAM دید. از طرفی با توجه به رشد شهرنشینی، اهمیت کاربرد مفاهیم پایداری در مقیاس محلات بیش از پیش به چشم می‌خورد. چرا که اصولاً بسیاری از جنبه‌های پایداری مانند پایداری اجتماعی و اقتصادی در مقیاس خرد ساختمان عقیم می‌ماند. به‌طور کلی این مقاله در پی پاسخگویی به این سؤال است که چه نسبتی بین راهبردهای اصلی جنبش‌های معماری-شهرسازی گذشته و مفهوم امروزین پایداری وجود داشته و چه دورنمایی برای تکامل آن وجود دارد؟ بر این اساس این مقاله با رویکردی کیفی و با استفاده از روش تحقیق زمین‌های به واکاوی مفهوم پایداری در جنبش‌های فکری مؤثر بر طراحی محلات می‌پردازد تا از این طریق مفهوم پایداری در مقیاس محلات را تبیین نماید. نکته قابل توجه آنکه با توجه به تعداد زیاد جنبش‌ها، این مقاله به‌دنبال مرور جامع ادبیات موضوع پایداری محلات نیست و تنها به مهمترین جنبش‌های مؤثر بر محلات از دید نویسندگان می‌پردازد. همچنین نامگذاری جنبش‌ها براساس منابع قبلی از جمله روه (Rohe, 2009) و ویلر (Wheeler, 2013) صورت گرفته است، به‌جز مدیریت پایداری که پیشنهاد نگارندگان برای حرکت ذکرشده در این مقاله است.

پرسش‌های پژوهش

این پژوهش در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

- چه نسبتی میان راهبردهای اصلی جنبش‌های مؤثر بر شکل‌گیری محلات و مفهوم امروزین پایداری وجود دارد؟
- جنبش‌های مؤثر بر پایداری محلات در چه موضوعاتی همپوشانی دارند؟
- این جنبش‌ها با توجه به اهداف و ارزش‌های خود چه نتایجی را به همراه داشته‌اند؟

جدول ۱. مهمترین جنبش‌های پایداری محلات و نظریه‌پردازان شاخص آنها. مأخذ: نگارندگان.

نام جنبش	زمان ظهور	نظریه‌پردازان شاخص نظریه‌پردازان	منابع
پارک‌ها و زمین‌های بازی	دهه ۱۸۹۰	فردریک اولمستد	(Mc Arthur, 1975)
باغشهرها	دهه ۱۹۰۰	ابنزر هاوارد	(Howard, 1902)
واحد همسایگی	دهه ۱۹۲۰	کلارنس پری	(Mumford, 1954; Perry, 1929)
برنامه‌ریزی محیطی - منطقه‌ای	دهه ۱۹۲۰	لوییز مامفورد، بنتون مک کای یان مک هارگ	(Daniels, 2009; Wheeler, 2013)
مدرنیزم	دهه ۱۹۳۰	فرانک لوید رایت لوکوربوزیه	(Fishman, 1982)
توسعه سنت‌گرای محلات	دهه ۱۹۸۰	اندرس دوانی الیزابت پلاترزابیبرگ	(Duany, 1992)
توسعه حمل‌ونقل محور	دهه ۱۹۹۰	پیتر کالتروپ	(Caltrope, 1993)
شهرسازی منظرگرا/بومگرا	دهه ۱۹۹۰	چارلز والدهایم محسن مصطفوی	(Waldheim, 2012; Mostafavi, 2010)
اکوشهرها	دهه ۱۹۹۰	ریچارد رجیستر	(Register, 2006)

روش پژوهش

این پژوهش به‌طور کلی رویکردی کیفی را در پیش گرفته و با بهره‌گیری از روش تحقیق زمین‌های^۱ و تحلیل محتوا داده‌ها و اطلاعات جمع‌آوری شده از پایگاه‌های داده شامل گوگل اسکالر، پروکوئست و ساینس دایرکت را مورد تحلیل قرار داده است.

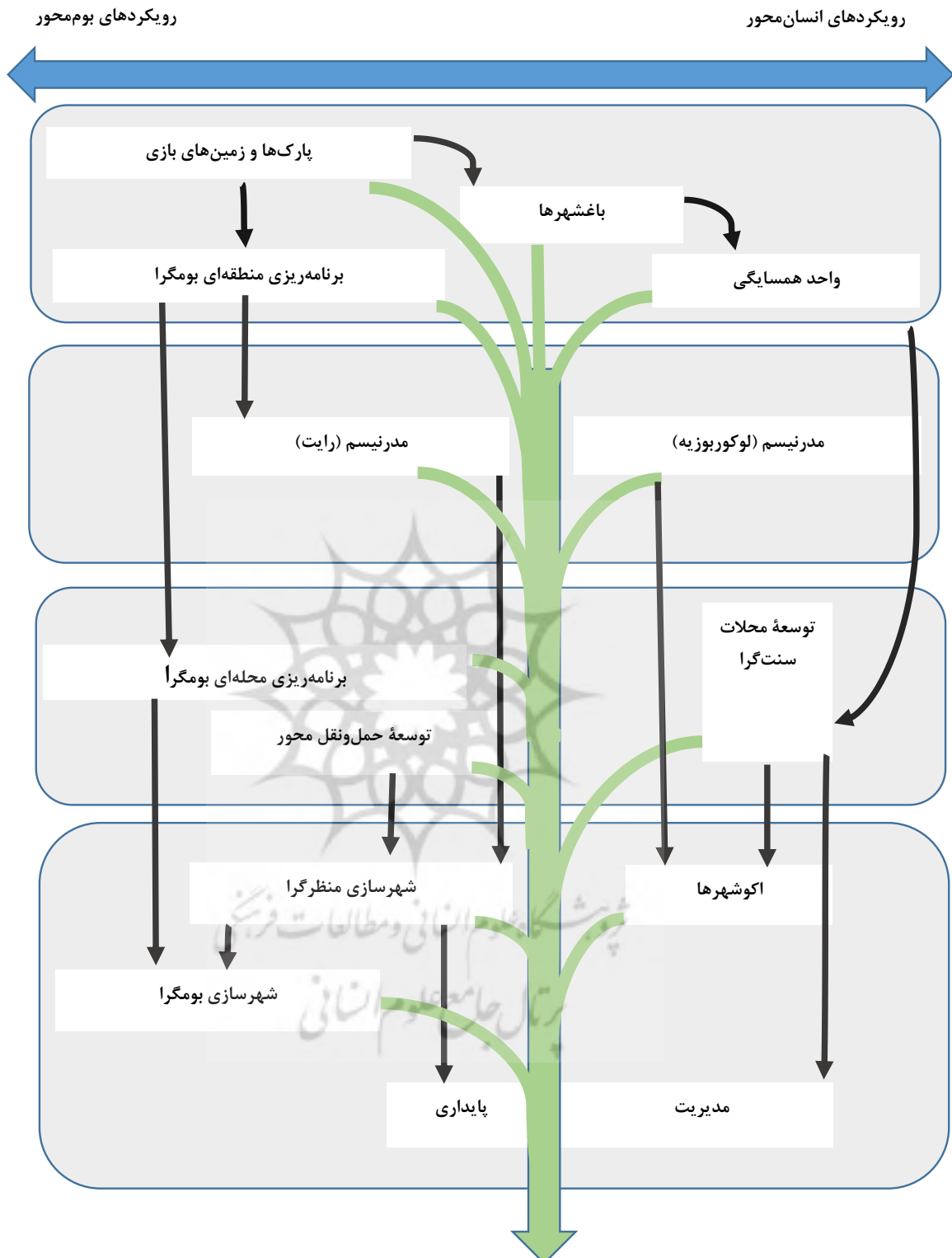
در مرحله اول با مراجعه به پایگاه داده گوگل اسکالر با کلید واژه «پایداری محلات»^۲ و «جنبش‌های محلات»^۳ جستجو شده و با بررسی عنوان و چکیده ۳۰۰ داده اول مورد بررسی اولیه قرار گرفت و از آن میان ۳۶ مقاله مرتبط با اهداف پژوهش وارد مطالعه شد. سپس براساس اطلاعات به‌دست‌آمده لیست اولیه‌ای از اسامی جنبش‌های مؤثر بر ساخت و پایداری محلات، استخراج گردید (تصویر ۱). با توجه به محدودیت‌های پژوهش، جنبش‌ها و نحله‌های براساس معیارهای: ۱. گستره جغرافیایی تأثیر، ۲. میزان تأثیر بر جنبش‌های بعد از خود و ۳. دربرگیری تعداد بیشتری از جنبش‌های کوچکتر، پالایش و تعدادی انتخاب شدند. به‌طور مثال جنبش «اکوشهر» در برگیرنده یا نماینده طیفی از جریان‌های مشابه^۴ است. از طرفی برخی جنبش‌های معرفی شده در این مقاله عمدتاً به مقیاسی بزرگتر می‌پردازند، اما تأثیرشان بر شکل‌گیری محلات قابل توجه بوده است. به‌عنوان مثالی دیگر حرکت «شهرسازی بومگرا» اگر چه در عنوان مقیاس شهر را بازنمایی می‌کند اما به‌دلیل رویکرد مسئله‌محور و بسط نظریه اکوسیستم

شهری در مقیاس‌های مختلف، تأثیر قابل توجهی در رویکرد کلی به پایداری محلات داشته است. در ادامه با هدف یافتن مطالعات مرتبط با اهداف این پژوهش، با استفاده از کلیدواژه‌های جنبش‌های فکری که در جستجوی اول حاصل شد، در پایگاه‌های داده پروکوئست، ساینس دایرکت و گوگل اسکالر جستجو صورت گرفت. حاصل این جستجو بالغ بر ۸۶۰ یافته بود که با حذف یافته‌های مشترک و بررسی چکیده‌های مربوطه، مطالعاتی که در راستای پاسخگویی به سؤالات پژوهش نبودند حذف و همچنین برخی مقالات و کتاب‌هایی که در فهرست منابع داده‌های منتخب بودند به مطالعه اضافه شد. در انتهای روند بالغ بر ۲۶۰ مقاله و کتاب واجد شرایط شرکت در این پژوهش تشخیص داده شدند اما به‌دلیل محدودیت‌های مقاله تنها به تعدادی از منابع منتخب ارجاع داده شد. این مقالات به‌دقت مورد بررسی و مذاقه قرار گرفتند و قسمت‌های کلیدی مرتبط با این مقاله به روش تحلیل محتوا استخراج و در نگارش مقاله مورد استفاده قرار گرفت.

سیری بر جنبش‌های مؤثر بر شکل‌گیری محلات

• جنبش پارک‌ها و زمین‌های بازی^۵

یکی از پیامدهای شکل‌گیری شهرهای صنعتی پیدایش محلات با سکونت طبقه کارگر بود. ساکنان کم‌درآمد، ساختار شبکه‌ای شطرنجی، تراکم ساختمان‌ها و کمبود فضای عمومی و باز نیز از مشخصه‌های اصلی این محلات



تصویر ۱. سیر تکامل مفهوم پایداری در طول زمان و تأثیر جنبش‌های شکل‌دهنده آن بر یکدیگر. مأخذ: نگارندگان.

اخلاق اجتماعی، موجبات تفریح همهٔ اقشار مردم به‌خصوص کودکان فراهم آید (Daniels, 2009, 180; McArthur, 1975) (تصویر ۲). اگر چه در همان زمان هم برخی فضاهای

بودند. بنابراین در نیمهٔ دوم قرن نوزدهم اصلاحگران شهری به ترویج ساخت پارک‌ها و فضاهای بازی پرداختند تا از این طریق علاوه بر بهبود سطح بهداشت عمومی و همچنین



تصویر ۲. نمونه‌ای از زمین‌های بازی اوایل قرن بیستم. مأخذ: آرشیو کتابخانه عمومی دالاس، تگزاس، www.dallaslibrary2.org/dallashistory/photogallery/parks.php.

که سازمان‌دهنده بسیاری از فعالیت‌ها از ورزش گرفته تا گردهم‌آیی‌های اجتماعی شدند و همچنین فضای لازم برای سازمان‌های محلی و کتابخانه را فراهم کردند (McArthur, 1975, 383; Silver, 1985, 163). به‌طور مثال اتحادیه شهر سنت لوئیس در سال ۱۹۰۷ در طرح شهری خود پیشنهاد شکل‌گیری چندین مرکز شهری در اطراف پارک‌ها و زمین‌های بازی کوچک را ارائه داد (Gillette Jr, 1983, 423). این مراکز محلات پاسخ‌دهنده به بسیاری از نیازهای اجتماعی زمان خود بودند و با استقبال گسترده در میان شهرهای آمریکایی مواجه شدند. در این راستا بین سال‌های ۱۸۹۰ و ۱۹۱۷ میلادی تعداد پارک‌ها و زمین‌های بازی در بافت محلات به ۳۹۴۴ رسید که انجمن زمین‌های بازی آمریکا با تلاش‌های خود نقش بزرگی در این موفقیت داشت (McArthur, 1975, 377).

جنبش پارک‌ها و زمین‌های بازی را می‌توان یکی از تأثیرگذارترین جنبش‌ها در طراحی و برنامه‌ریزی محلات با گستره جغرافیایی وسیع دانست، به‌طوری که میراث آن به جزء لاینفک محلات کنونی در سراسر دنیا بدل گشته‌اند. از طرفی تحت تأثیر این جنبش بود که اهمیت فضای باز و زمین‌های بازی در مدارس شناخته شد و از آن پس فضاهای

باز در بافت محلات وجود داشت اما فضای عمومی به حساب نمی‌آمدند (Benton-Short & Short, 2008, 58). به‌طور کلی جنبش پارک‌ها و فضاهای بازی در ابتدا به‌عنوان بخشی از یک خواست جمعی برای عدالت اجتماعی مطرح شد که به دنبال ایجاد فضاهای جمعی در محلات به قصد افزایش تعاملات اجتماعی، فراهم‌سازی امکانات برای عموم و محافظت از جوانان در برابر ناهنجاری‌های اجتماعی بود (McArthur, 1975, 377-388) تا از این طریق علاوه بر فراهم‌آوردن فضای تعامل، از تراکم محیط محلات بکاهد و مفری برای گذران اوقات فراغت ساکنان محله به‌خصوص کودکان و جوانان ایجاد کند.

نظریه‌پردازان این جنبش تحت تأثیر مکتب رمانتیسم، به دنبال بازتعریف رابطه انسان و طبیعت بودند و برای نیل به این هدف سعی در کشاندن زندگی حومه شهر به دورن شهر و به‌نمایش گذاشتن جلوه‌های پیکچرسک و طبیعت بکر، محو شبکه‌های هندسی و شطرنجی و تبعیت از فرم منظر در طراحی‌هایشان داشتند (Benton-Short & Short, 2008, 60). جنبش پارک‌ها و زمین‌های بازی همچنین زمینه را برای شکل‌گیری جنبش مراکز محلات نیز فراهم آورد. بسیاری از زمین‌های بازی به مراکز محله تبدیل شدند

در مناطق حاشیه شهر بود تا از این طریق کیفیت زندگی و همچنین کیفیت حس مکان ارتقا یابد (Silver, 1985, 162). ابنزر هاوارد به عنوان نظریه پرداز کلیدی در جنبش باغشهرها تلاش کرد تا راه حل نهایی برای پدیده مناطق شهری آلوده و متراکم را با ترکیب المانهای شهر و روستا ارائه دهد که در دیاگرام معروف «سه آهنربا»ی وی به تصویر کشیده شده است (Howard, 1902)، (تصویر ۳).

ایده اصلی هاوارد شامل مجموعه های مسکونی خودکفا بود که به وسیله کمربند سبز احاطه شده بودند تا از رشد حاشیه نشینی جلوگیری کند. همچنین شبکه ای از راه های شعاعی ارتباط داخلی آنها را برقرار می کرد که به وسیله راه آهن با یکدیگر ارتباط داشته و توانایی سکونت دادن به ۳۲ هزار نفر را داشتند (Howard, 1902, 137; Basiago, 1996, 137; Rohe, 2009). بر این اساس دستاورد اصلی تئوری هاوارد را می توان گذار از طراحی محلات با هدف افزایش سلامت و معرفی زون بندی، برنامه ریزی فضایی و کاربری زمین قلمداد کرد (Choguill, 2008, 42; Daniels, 2009, 181). بعدها هنری رایت و کلارنس استین اصول باغشهرها را در سانی یارد گاردن^۸ و شهر رادبرن^۹ به کار گرفتند که به عنوان مدلی برای توسعه های مشابه قلمداد شد. نظریه باغشهر در ابتدا توسط هاوارد و در شهرهای لچورث^{۱۰} و ولوین انگلستان تجربه شد (تصویر ۴) و یکی از معدود جنبش های طراحی محلات بود که گسترش جهانی پیدا

بازی به جزئی حیاتی از مدارس بدل گشتند (Frost, 2012). این حرکت همچنین به رشد شکل گیری سازمان های مردم نهاد^۶ در رابطه با شکل دهی ساختار محلات و مدیریت کاربری زمین تأثیر بسزایی داشت (Daniels, 2009). در خلال گسترش جریان پارک ها و زمین های بازی، شهرهای آمریکا انجمن پارک های مختص خود را پیدا کردند که منشاء بسیاری از ابداعات در زمینه ساخت محلات شد. به طور مثال انجمن زمین های بازی شهر شیکاگو متشکل از طیف وسیعی از حرفه ها مانند فعالین اجتماعی، حقوق دان ها و معماران منظر بود که می توان آن را به عنوان مدل اولیه در مشارکت اجتماعی برای ساخت محلات به حساب آورد. از طرفی تأسیس انجمن پارک ها و زمین های بازی منجر به به رسمیت شناختن نقش مسئولان شهری در قبال محیط و سلامت عمومی در محلات شد (ibid., 182). همچنین تأثیر نظریات اولمستد و همفکرانش را می توان بر نظریه پردازان برنامه ریزی محیطی همچون لوئیز مامفرد و بنتون مک کای و همچنین مدرنیزم طبیعت گرایانه فرانک لوید رایت دید.

• جنبش باغشهر^۷
باغشهرها در دهه های اول قرن بیستم به دلیل مقبولیت عمومی ایده ها و تفکرات یوتویپایی با استقبال زیادی در میان نظریه پردازان و متفکرین مواجه شدند (Miles, 2007, 4; Sharifi, 2016, 4). از جمله این تئوری ها تراکم زدایی مناطق پر جمعیت مرکزی و سکونت دهی به کارگران صنعتی

شهر

نبود طبیعت، فرصت های اجتماعی، انزوای افراد، اماکن تفریحی، فاصله تا محل کار، دستمزد بالا، موقعیت های شغلی، ساعات کار زیاد، تعداد زیاد بیکاران، خشک سالی، هزینه بالای فاضلاب، هوای آلوده، آسمان کدر، خیابان های نورپردازی شده و روشن



روستا

کم رنگ بودن جامعه، زیبایی طبیعت، کمبود شغل، آسانی مدیریت زمین هوشیاری در برابر غریبه ها، چمنزار، جنگل، ساعت کار زیاد و دستمزد پایین، هوای تازه، اجاره کم، نبود شبکه فاضلاب، فراوانی آب، کمبود سرگرمی، خورشید تابان، نبود روح جمعی، نیاز به آزادی

شهر-روستا

زیبایی طبیعت، فرصت های اجتماعی، مزارع و پارک ها با دسترسی آسان، اجاره پایین، فراوانی فعالیت های قابل انجام، قیمت های پایین، نبود کارهای مشقت بار، جریان سرمایه، خانه ها و باغ های روشن، پایان دود و حاشیه نشینی، آب و هوای پاک، شبکه فاضلاب مناسب، آزادی، همکاری

تصویر ۳. نمودار سه آهنربای هاوارد. مأخذ: Howard, 1902.



تصویر ۴. باغشهر لچ ورث. مأخذ: www.stridetreglown.com/re-imagining-the-garden-city

که تقریباً در تمامی متون مربوط به ریشه‌های شکل‌گیری محلات معاصر حضوری پررنگ دارد.

• جنبش واحد همسایگی

همزمان با ظهور جامعه‌شناسی شهری، چارلز هورتون کولی^{۱۲} در کتابش با عنوان «ساخت اجتماعی»، از خانواده، گروه هم‌بازی و محله به‌عنوان سه تا از مهمترین پایه‌های اجتماعی شدن نام برد (Gillette Jr, 1983, 424). جامعه‌شناسانی همچون کولی از محله به‌عنوان گلخانه‌ای جهت پرورش فضیلت‌های اخلاقی و تعاملات اجتماعی نام می‌بردند (Gillette Jr, 1983; Mumford, 1954). این نظریات بعدها مبنای ایده‌های کلارنس پری در نظریه واحد همسایگی را تشکیل دادند. او نظریات خود را بر مبنای ایده‌ای فراگیر در آن زمان مبنی بر آنکه تغییرات فیزیکی در بافت شهری موجب بهبود زندگی اجتماعی خواهد شد، بنا کرد (Gillette Jr, 1983, 424). با این توجیح، امکانات لازم برای پرورش نسل جدید باید در محلات در نظر گرفته شود و کودکان قبل از ورود به جامعه، تمرین مهارت‌های اجتماعی را در محلات گذرانده باشند.

پری که تحت تأثیر ایده‌های جنبش مراکز محلات و باغشهر قرار گرفته بود، محله ایده‌آل را با مدرسه‌ای در دل آن که در

از طرفی هاوارد با تأکید بر اهمیت زمین‌های کشاورزی شهری و پیوند انسان و طبیعت برخی از اصول پایداری را به جهان معرفی کرد. در مجموع می‌توان گفت بسیاری از شعارهای جنبش باغشهر از قبیل خودکفایی، کاربری مختلط و تنوع منابع اقتصادی در محلات تا به امروز تازه و کاربردی مانده است. اگرچه بسیاری از آنها صورت واقعیت به خود نگرفتند (Talen, 2005, 11-14). با این حال از میان آرزوهای هاوارد، شهرهای با کمربند سبز گسترش جهانی یافتند اما چشم‌انداز او برای انقلاب در روند طراحی شهرها تحقق نیافت (Benton-short, 2088, 63).

نظر به استفاده وسیع از خطوط راه‌آهن، باغشهر را می‌توان یکی از اولین جنبش‌هایی معرفی کرد که مظاهر تکنولوژی روز را در طرح‌های خود به‌کار گرفت. با این پیشینه بسیاری از نظریه‌های تکنولوژی محور از جمله اکوسیستی و توسعه حمل‌ونقل محور، جنبش باغشهر را به‌عنوان منبع الهام خود معرفی کرده‌اند. هاوارد همچنین با در نظرگیری بلوارهای عریض راه را برای ورود اتومبیل به محله هموار کرد و پایه‌گذار تغییری شگرف در ساختار محلات شد، به طوری که تأثیر بسزایی در شکل‌گیری نظریه «واحد همسایگی»^{۱۱} نیز داشت. در وصف تأثیر جنبش باغشهرها همین بس

شوند (Perry, 1929; Silver, 1985, 166). از طرفی نظریه واحد همسایگی در مورد محلات قدیمی مفید واقع نشد چرا که اجرای آن مستلزم ایجاد تغییرات عدیده در ساختار محله بود. از همین رو پری تأیید می‌کند که واحد همسایگی بیشتر برای محلاتی با مراکز بلااستفاده و یا مناطقی که به تازگی ساخته می‌شوند مناسب است (Rohe, 2009, 212).

• برنامه‌ریزی منطقه‌ای بومگرا^{۱۳}

در دهه بیستم میلادی اعضای انجمن برنامه‌ریزی منطقه‌ای آمریکا تلاش کرد تا با ترکیب مفهوم‌های رایج باغشهر و طبیعت بکر^{۱۴}، برنامه‌ریزی منطقه‌ای محیطی را صورت‌بندی کنند (Daniels, 2009, 183). اعضای این انجمن شامل کسانی همچون لوییز مامفورد، بنتون مک‌کی و کلارنس استین بودند که به‌طور مشهودی تحت تأثیر نظریه‌پرداز اسکاتلندی پاتریک گدس بودند. گدس منطقه را به‌مثابه مجموعه‌ای از روابط محیطی بین المان‌های طبیعی مانند مورفولوژی و اقلیم می‌دید که فرهنگ انسانی را شکل می‌دهند (Mumford, 1927). آنها مروج تراکم‌زدایی در پهنه‌های شهری بودند به صورتی که در مفهوم‌های ارائه شده توسط هاوارد و لویدرایت نیز دیده می‌شود. (Basiago, 1996; Wheeler, 2013, 134). برنامه‌ریزان محیطی در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ میلادی مدیریت منابع طبیعی را با هدف کاهش فقر و بیکاری ترویج می‌کردند (Wheeler, 2013, 136).

با گسترش جهان‌بینی مدرن در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی توافق جمعی بین طراحان به نفع کاربرد روش‌های علمی و تکنولوژیک برای ترسیم آینده شهرها و متعاقب آن محلات مشهود بود. در دهه ۱۹۶۰ میلادی همچنین برنامه‌ریزی منطقه‌ای به سمت بومگرایی سوق پیدا می‌کند (Wheeler, 2013, 136).

نظریه‌پردازان این شاخه تلاش می‌کردند تا از تحلیل‌ها و روش‌های علمی برای جمع‌آوری اطلاعات مرتبط استفاده کنند و آن را به‌عنوان مبنای طرح‌هایشان قرار دهند. از میان آنها یان مک‌هارگ و ریچارد فورمن طراحی اکولوژیکی را صورت‌بندی کردند. یان مک‌هارگ در کتابش با عنوان «طراحی با طبیعت» روش جدیدی بر مبنای لایه‌های اکولوژیکی پیشنهاد داد که تأثیر عمیقی بر روی جامعه طراحان و برنامه‌ریزان گذاشت. این روش بعدها توسعه پیدا کرد و سیستم اطلاعات جغرافیایی و GIS بر مبنای آن شکل گرفت. ویژگی مهمی که مک‌هارگ متولی آن بود، امکان در نظرگیری عملکردهای مختلف به‌طور همزمان و برای زمینی واحد بود (Steiner, 2011, 335).

بزرگترین دست‌آورد جریان برنامه‌ریزی اکولوژیکی پرنرنگ کردن وجه علمی گفتمان طراحی و

فضای سبز واقع شده بود ترسیم کرد و اندازه آن را به‌وسیله مسافتی که یک کودک به‌راحتی می‌تواند به مدرسه برسد تعیین نمود. او در نظر داشت با توجه به نیازهای کاربران مسافت قابل پیاده‌روی محله در دسترس باشد و از این طریق ایده خودکفایی محلات را ترویج می‌کرد (Mumford, 1954, 262; Rohe, 2009). بنابراین او کلیسا و سازمان‌های محلی و مدرسه را در مرکز محله جانمایی کرد. همچنین ترافیک سواره و پیاده از هم تفکیک و ترافیک سواره به خیابان‌های پیرامونی هدایت شدند تا بدین وسیله فرصت تعاملات رودررو در مراکز محلات فراهم شود (تصویر ۵) (Gillette Jr, 1983; Mumford, 1954; Wheeler, 2013, 182). از طرفی پری با بی‌نیاز کردن مردم از سفر به خارج محلات سعی داشت تا به ایده تراکم‌زدایی از مراکز شهرها جامعه عمل بپوشاند (Mumford, 1954, 267).

مهمترین تأثیر جنبش واحد همسایگی را شاید بتوان تغییر واحد سازنده شهر از ساختمان و خیابان به محلات دانست (Gillette Jr, 1983; Mumford, 1954, 260; Rohe, 2009) که با استقبال جامعه طراحان در آمریکا مواجه شد. به‌طوری که تا دهه چهل میلادی واحد همسایگی رایج‌ترین مفهوم در میان طراحان شهر بود (Silver, 1985, 165). در واقع ایده محله به‌عنوان واحد سازنده شهرها به دوره قرون وسطی بازمی‌گردد (Mumford, 1954; Silver, 1985) اما پری این مفهوم را در دوره مدرن دوباره معرفی کرد. تئوری واحد همسایگی به همراه جنبش باغشهرها عمدتاً به‌دلیل جبر فیزیکی حاکم بر طرح‌های شهری مورد نقد قرار گرفته‌اند (Gillette Jr, 1983, 422). از این رو توسعه در بافت محلاتی که با تئوری واحد همسایگی شکل گرفته بودند با مشکلات بسیار همراه بوده و از طرفی محدودکننده تعاملات اجتماعی بین محله خارج آن بود.

تمایل به همگنی اجتماعی در محلات نیز بیش از هر جا در جنبش واحد همسایگی هویداست (Silver, 1985, 165). که در بسیاری از موارد به جداسازی نژادی و اجتماعی منجر شد (Isaacs, 1948, 22; Rohe, 2009). با این حال پری باور داشت که یکنواختی اجتماعی، زندگی در کنار یکدیگر را تسهیل می‌کند و فواید بسیاری به همراه دارد (Perry, 1929, 110). در عمل اما سازندگان، در برخی از جنبه‌های واحد همسایگی مانند قراردادن مرزهای مشخص، زیاده‌روی کردند. در حالی که برخی دیگر مانند تأکید بر مراکز محلات را نادیده گرفتند. کلارنس پری اما، بر اینکه ایده‌هایش ممکن است در جامعه طبقاتی دامن بزند اذعان داشت و پیش‌بینی کرد که ممکن است بسیاری از ساکنان، محل‌های زندگی خود را ترک کنند در مقابل او پیشنهاد داد که هم‌محله‌ها می‌توانند برای گروه‌های درآمدی مختلف طراحی و ساخته



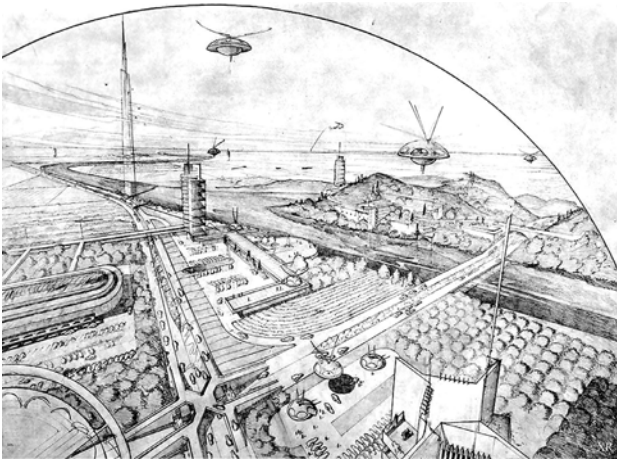
تصویر ۵. المان های اصلی طرح واحد همسایگی. مأخذ: Perry, 1929.

بومگرا و برنامه ریزانه در ساخت محلات و شهر به خصوص لایه های اکولوژیکی که مکهارگ مروج آن بود، برجسته است. یکی از نتایج مستقیم آن جایگزینی شبکه شطرنجی محلات به شبکه اکولوژیک بود.

• جنبش مدرن^{۱۵}

از مهمترین افراد تأثیرگذار بر شکل گیری محلات در جنبش مدرن می توان به لوکوربوزیه و فرانک لویدرایت اشاره کرد که در جهت شکل دادن به محلات مدرن هریک به طریقی تلاش کردند. آنها در طرح هایشان به طور همزمان به ترس ها از فضای شهرهای قرن نوزدهمی و همچنین بر باور مردم مبنی بر نجات بخشی علوم جدید پاسخ می دادند (Fishman, 1982, 10). در «شهر آینده» لوکوربوزیه تصویری فوتوریستی (آینده گرا) را به نمایش می گذارد که شامل برج های مسکونی

برنامه ریزی (Daniels, 2009) و اصولاً تأکید بر وجه برنامه ریزی به عنوان مبنای طراحی بود. همچنین این جنبش راه را برای ظهور حرکت های اکولوژی محور در آینده مانند شهرسازی بومگرا و معماری ارگانیک هموار نمود. نظریه پردازان این مکتب پیشروی شهرها در محیط های طبیعی را به عنوان یکی از مهمترین معضلات دست به گریبان شهر ارزیابی می کردند. بنابراین ایده «کمربند سبز» در اطراف شهرها را ترویج می کردند. به طوری که شاهد پیدایش شهرهای بسیاری با این ویژگی از آن دوران هستیم. بیشتر موفقیت برنامه ریزی اکولوژیکی البته در مناطق خارج شهر و پارک های ملی اتفاق افتاد که پتانسیل بالایی برای مدیریت منابع طبیعی و برنامه های حفاظتی و ادغام آن با سکونتگاه های انسانی در اختیار بود. به هر حال میراث نگاه



تصویر ۶. نمایی از طرح براداکر سیتی اثر فرانک لویید رایت. مأخذ: Wright, 1935.

تجربیات همچنین به ما آموخت که تعاملات اجتماعی در بین محلات از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است.

• جنبش نو سنت گرا^{۱۷}

«سلطه اتومبیل در هر گوشه از زندگی آمریکای رسوخ کرده». این جمله را آندرس داونی^{۱۸} در واکنش به شرایط دردرساز شهرهای مدرن آمریکایی بیان می کند (Duany & Plater-Zyberk, 1992) که البته قبل از آن توسط متفکرانی همچون لئویز مامفورد و جین جیکوب در کتاب «زندگی و مرگ شهرهای آمریکایی بزرگ»، هشدار داده شده بود. توسعه نوسنت گرا واژه‌ای است که دربرگیرنده دو مکتب توسعه محلات سنت گرا و توسعه حمل و نقل محور اتلاق می شود. البته واژه‌های نوسنت گرا و شهرسازی نوین که بعد از کنفرانس (CNU) سال ۱۹۹۳ رایج شد، گاهی به جای یکدیگر به کار برده می شوند. از نظریه پردازان این جنبش می توان به آندرس داونی، الیزابت پلاتر زایبرگ، پیترو کالتروپ، الیزابت مول و دانیل سولومون اشاره کرد که منبع ارزش‌های خود را در شهرهای کوچک آمریکایی در دوران پیش از ظهور اتومبیل می دانند (Wheeler, 2013, 15). به طور کلی می توان گفت توسعه سنت گرا ترکیبی از اصول جنبش‌های گذشته در طراحی محلات است و بسیاری از اصول خود را از آنها وام گرفته است.

توسعه محلات سنت گرا^{۲۰} در دهه ۸۰ میلادی به عنوان راهی برای فرم دادن به شهرهای آمریکایی براساس الگوی شهرهای کوچک آمریکایی پیشنهاد شد. این جریان فکری بیشتر با ویژگی‌هایی همچون کاربری مختلط، محلات مناسب پیاده روی و مرکز محلات سرزنده شناخته می شود و تلاش می کند بین کاربری‌های اقتصاد محور و ساختمان‌های مسکونی به نوعی تعادل دست یابد. در این تئوری خیابان‌ها از یک الگوی شبکه‌ای که با یک سبک معماری مشترک

با ساختمان‌های صنعتی کم ارتفاع در اطراف آنهاست، در حالی که در یک پهنه سبز وسیع قرار گرفته‌اند (Miles, 2007, 68) که با توجه به مقیاس این برج‌ها هریک را می توان در نقش یک محله دید. از طرفی آرزوهای هاوارد برای آزادسازی مردم از مراکز شهری متراکم بار دیگر در طرح‌های براداکر سیتی اثر رایت بروز می کند (Basiago, 1996, 141)، (تصویر ۶).

البته رایت به مدد همه‌گیری اتومبیل‌های شخصی به شکل شدیدتری از تراکم‌زدایی نسبت به جنبش باغشهرها فکر می کرد (Fishman, 1982, 13). رایت طرح‌های خود را برای جامعه‌ای سوسیالیست در نظر گرفت که در آن به هر خانواده یک قطعه زمین یک هکتاری و یک ماشین شخصی تعلق می گرفت. رایت تأکید می کند که «براداکر سیتی به عنوان یک اصل کلی بر تراکم‌زدایی عمومی تکیه دارد». در این طرح اثری از مناطق و زون‌های تجاری و صنعتی نیست و به جای آن بر مزارع کوچک، کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک که براساس نیاز و تمایل مردم پخش شده‌اند، تأکید دارد (Wright, 1935, 347). علاوه بر این، لویدرایت بر نقش درخت‌ها و کشاورزی شهری در میان بافت‌های مسکونی که امروزه به عنوان یکی از مظاهر خدمات اکوسیستمی شناخته می شود، تأکید می کند.

بسیاری از طرح‌ها و ایده‌های جنبش مدرن از جمله الگوی ارگانیک و خدمات اکوسیستم که رایت مبلغ آن بود و همچنین برج‌های مسکونی واقع در فضای سبز که لوکوربوزیه منادی آن بود را امروزه می توان به وضوح در ساخت محلات مشاهده کرد. رایت و لوکوربوزیه در طرح‌هایشان محلاتی وابسته به اتومبیل که به نوعی مظهر عصر مدرن بود را به تصویر کشیده‌اند. با این حال لوکوربوزیه به دنبال بلندمرتبه‌سازی و ترویج برج‌های مسکونی بود که کاربری‌های مختلف را در خود جای می داد و ایده کاربری مختلط را تداعی می کرد، اما رایت مسیر مخالف را پیمود و تراکم‌زدایی را در طرح‌هایش برای محلات پی می گرفت. جنبش مدرن همواره به دلیل ضعف در توجه به مسائل محیطی مورد نقد قرار گرفته است. اگر چه بسیاری از مدرنیست‌ها ادعای طراحی در هماهنگی با طبیعت را داشتند، اما در عمل این مسئله جدی گرفته نمی شد (Barnett, 2016, 8). حتی طرح رایت برای براداکر سیتی بیشتر دیاگرامی آرمان‌گرایانه بود تا یک طرح عملیاتی، و با پایداری فاصله زیادی داشت. به مشکلات بالا باید وابستگی شدید این طرح‌ها به سوخت‌های فسیلی را نیز اضافه کرد. به خصوص در طرح رایت ساکنان مجبور بودند برای تأمین نیازهای اولیه خود مسافت زیادی را با اتومبیل طی کنند که سوخت زیادی طلب می کرد. بسیاری از فعالان محلات برخی از تجربیات برخاسته از جنبش مدرن مانند نوسازی شهری^{۱۶} را که در آن محلات قدیمی مرکز به قصد ساخت محلات مدرن و یکنواخت تخریب می شد به باد انتقاد می گیرند (Wheeler, 2013, 12). این

یکی از یافته‌های این مطالعات حاکی از آن است که تفاوت چندانی از جهت حس مکان بین محلات سنت‌گرا و محلات معمولی وجود ندارد (Nasar, 2003).

• شهرسازی منظرگرا- بومگرا^{۲۳}

شهرسازی منظرگرا-بومگرا عبارتی است که توسط فردریک استیئر پیشنهاد شد (Steiner, 2011, 333) و نمایانگر جریانی است که در برگرفته‌ی ویژگی‌های شهرسازی منظرگرا و شهرسازی بومگرا به صورت توأمان و در تکامل یکدیگر است. با توجه به اینکه این دو نحله به لحاظ خاستگاه فکری و اصول کلی دارای اشتراکات بسیار هستند، در این مقاله به دو نحله در قالب یک بخش پرداخته می‌شود و از عبارت شهرسازی منظرگرا-بومگرا نیز به سبب جامعیت بیشتر استفاده می‌شود. اما قبل از آن به تبیین هر دو جریان فکری به‌طور جدا گانه می‌پردازیم:

ایده شهرسازی منظرگرا توسط تعدادی از معماران و معماران منظر همچون جیمز کرنر، محسن مصطفوی و چارلز والدهایم شکل گرفت (Steiner, 2011; Thompson, 2012) که در آن منظر به‌عنوان واحد سازنده بافت شهر مطرح می‌شود (Waldheim, 2012, 11). عبارت «شهرسازی منظرگرا» نیز نخستین باز توسط چارلز والدهایم پیشنهاد شد. والدهایم در این زمینه تاحد زیادی تحت تأثیر جیمز کرنر و مک‌هارگ، دو معمار منظر مؤلف بود (Steiner, 2011; Waldheim, 2012). والدهایم شهرسازی منظرگرا را به‌عنوان پاسخی به ضعف‌های جنبش توسعه سنت‌گرا ترویج می‌کند (Waldheim, 2016, 4) و به نظر می‌رسد وجوه مشترک بسیاری با آرمانشهر معرفی‌شده توسط رایت دارد. چنانکه رایت در مورد براداکر سیتی می‌نویسد: در یک «معماری ارگانیک زمین به خودی خود همه‌المان‌ها را از پیش تعیین می‌کند» و یا «فرم و عملکرد در براداکر سیتی یکی هستند» که قرابت زیادی با اصول مطرح‌شده توسط نظریه‌پردازان منظرگرا دارد (Wright, 1935, 348). این جنبش همچنین خوانش جدیدی از زمان ارائه می‌کند. در واقع نظریه‌پردازان شهرسازی منظرگرا با مطرح کردن مفهوم دانه‌افشانی^{۲۳} به‌دنبال ایجاد تغییرات در مدت زمان طولانی هستند (Steiner, 2011; Waldheim, 2012, 2016). که اجازه تکامل محیط را براساس نیازهای پیش‌بینی نشده در طول زمان را فراهم می‌آورد. «شهرسازی بومگرا» در پاسخ به انتقادات متوجه شهرسازی منظرگرا مانند عدم کارایی اکولوژیک مورد انتظار در بسیاری از پروژه‌ها و کم‌رنگ بودن نقش مردم در فرایند شکل‌گیری محیط شهری منظرگرا و در تکامل آن مطرح شد (Mostafavi, 2015). اگرچه برنامه‌ریزی اکولوژیکی پیشینه‌ای قوی در طراحی محلات و شهرها دارد

احاطه می‌شوند، تبعیت می‌کنند (Duany & Plater-Zyberk, 1992) جنبش توسعه سنت‌گرا با محله «سی ساید» که توسط آندرس داوونی طراحی شده بود به جهان معرفی شد و بعدها به سمبل این جنبش نیز بدل گردید (Rohe, 2009, 224).

توسعه حمل‌ونقل محور^{۲۱} جریانی بود که به‌وسیله پیترو کالتروپ توسعه یافت و از بسیاری جهات شبیه جریان سنت‌گرا است و مانند آن بر ویژگی‌هایی همچون کاربری مختلط، تراکم بیشتر و پیاده‌محور بودن تأکید دارد و تفاوت عمده آنها در مرکزیت ترمینال‌های حمل‌ونقل عمومی است (ibid., 226). البته به نظر می‌آید توسعه حمل‌ونقل محور نسبت به مسائل زیست‌محیطی حساسیت بیشتری دارد (Sharifi, 2016, 8). در این نظریه محلات به‌وسیله مراکز محلات که ترمینال‌های حمل‌ونقل را در خود جای داده‌اند و در اطراف آن خیابان‌های مستقیم با ردیف درختان شکل گرفته، تعریف می‌شوند. به‌طوری که ساکنان در هر نقطه محله حداکثر ده دقیقه پیاده‌روی تا مرکز حمل‌ونقل عمومی فاصله دارند (Basiago, 1996, 149; Calthorpe, 1993, 17). کالتروپ با این استدلال که قرارگرفتن ساختمان‌های بلندمرتبه در اطراف مراکز حمل‌ونقل عمومی از میزان سفر با اتومبیل و مصرف انرژی می‌کاهد، پایداری این جریان را ترویج می‌کرد. مطالعات نشان داده است که اگر چه تعداد سفرهای در محلات مبتنی بر توسعه نوسنت‌گرا با بقیه محلات تقریباً برابر است، اما نرخ سفر با اتومبیل به‌طور قابل توجهی در آنها پائین‌تر است (Khattak & Rodriguez, 2005). با این حال شواهد محکمی دال بر افزایش پایداری محلات با افزایش تراکم و پیاده‌محوری ارائه نشده است (Sharifi, 2016, 8). همچنین بر پایه مطالعات صورت‌گرفته مردم برای سکونت در این محلات حاضر هستند پول بیشتری پرداخت کنند (Rohe, 2009, 226; Tu & Eppli, 2001, 6). بنابر این جنبش توسعه سنت‌گرا با استقبال زیادی در میان توسعه‌دهندگان و سازندگان محلات مواجه شده است. از طرفی این موضوع محلات نوسنت‌گرا را با این نقد مواجه ساخته که در تأمین مسکن برای اقشار کم‌درآمد ناموفق هستند. اگر چه این جنبش بار دیگر توجه طراحان محلات را به اهمیت روابط و تعاملات اجتماعی معطوف ساخت، یکی از نقدهای وارد بر این تفکر تمرکز بر سرزندگی اجتماعی و کم‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی است. در توسعه سنت‌گرا فضاهای سبز از درجه اهمیت پایین‌تری برخوردار هستند و معمولاً فضاهای بلااستفاده به این امر اختصاص می‌یابد (Daniels, 2009, 188). به‌طور کلی مطالعات کافی برای تأیید ادعاهای مطرح‌شده توسط نظریه‌پردازان توسعه سنت‌گرا انجام نگرفته، با این حال

منطقه یکباره از بین برود و تعاملات اجتماعی که قبلاً وجود داشته خدشه‌دار شود. اصولاً شهرسازی منظرگرا/بومگرا یک چارچوب کلی ارائه نمی‌دهد و اصولاً با جبر فیزیکی پلان‌های طراحی سرسازگاری ندارد و بیشتر با رویکردی مسئله‌محور به مواجهه با چالش‌ها می‌پردازد. بنابراین چندان دور از انتظار نیست که تعداد قابل توجهی از پروژه‌های منظرگرا به بازسازی و بهسازی زمین‌های سوخته شهری اختصاص یافته است (Waldheim, 2016, 3). مهمترین فوایدی که البته این جریان به همراه داشته است، بهبود بهداشت و سلامت جامعه، امنیت محله و جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی بوده است (Benton-Short & Short, 2008, 86). همچنین یکی از مهمترین چالش‌های تفکر منظرگرا/بومگرا آزادسازی زمین به قصد توسعه اکولوژیکی است که بسیار پرهزینه و در برخی موارد غیرممکن خواهد بود. ابهام زیادی نیز در مورد چگونگی مشارکت دانش اکولوژی در طراحی محلات وجود دارد و اتفاق نظری بر سر آنکه کدام بخش از دانش اکولوژی باید در طراحی محلات به کار گرفته شود وجود ندارد. از طرفی علی‌رغم تأکید نظریه‌پردازان شهرسازی اکولوژیکی بر یکپارچگی جوامع اجتماعی، تمرکز اصلی هنوز بر جنبه اکولوژی محیطی است. و در برخی موارد صرف منابع و هزینه بسیار برای احیا و ایجاد فرایندهای اکولوژیک موجب ازدست‌رفتن کارکرد اجتماعی و اقتصادی در آن مناطق می‌شود (Duany & Talen, 2013, 12).

• جنبش اکوشهرها^{۲۵}

از آنجایی که تغییرات اقلیمی و امنیت انرژی به‌عنوان مهمترین مسائل شهرهای آینده مطرح می‌شوند (Caprotti, 2014, 10)، ایده‌هایی که جنبه‌های محیط زیستی و سبز دارند با استقبال بسیاری از نظریه‌پردازان مواجه می‌شوند، اکوشهر را می‌توان حاصل این جریان به‌شمار آورد. از طرفی استقبال جهانی از راه‌حل‌های تکنولوژیک موجب رشد اکوشهرها شد و تعداد زیادی از آنها با گستره جهانی به‌وجود آمدند، مانند شهر مصدر^{۲۶} در امارات متحده و شهر تیانجین در چین. البته این تفکر به صورت‌های مختلفی نمود پیدا کرد از ساخت شهرهای کاملاً جدید تا پروژه‌های بازسازی و بهسازی درون بافت شهرهای موجود (Caprotti, 2014; Joss & Molella, 2013).

جستجو برای شهر ایده‌آل آینده و گرایش به رویکردهای علمی را می‌توان در جنبش‌های باغشهر و همچنین مدرنیسم ریشه‌یابی کرد. در این راستا انتظار می‌رود اکوشهرها به طریقی علمی و سیستماتیک مدیریت شوند (Cugurullo, 2018, 73). ایده اکوشهر در ابتدا توسط ریچارد رجیستر که به‌دنبال عملی کردن مدل‌های شهر پایدار بود ارائه شد (Cugurullo, 2018; Sharifi, 2016).

(Mostafavi & Doherty, 2010, 21) عبارت «شهرسازی بومگرا» توسط محسن مصطفوی و همکارانش در دانشگاه هاروارد معرفی شد. (Steiner, 2014, 336; Turner, 2014, 19) که مفهوم اکولوژی شهر ارائه‌شده توسط ریچارد فورمن نقش در آن نقش محوری داشت و براساس آن شهرها به صورت اکوسیستم‌هایی دربرگیرنده انسان که از روابط بیوفیزیکی درهم‌تنیده تشکیل شده‌اند، صورت‌بندی می‌شوند (Benton-Short & Short, 2008, 142; Forman, 2014). به عبارتی در شهرسازی بومگرا شاهد نقشی پررنگ‌تر برای دانش اکولوژی نسبت به شهرسازی منظرگرا هستیم. با در نظر داشتن این پیشینه، شهرسازی بومگرا از زمین‌های کاملاً علمی سر برمی‌آورد، در حالی که تلاش دارد روش‌های بومگرا را در محیط مصنوع و ورای آن به کار گیرد (Steiner, 2011). هدف آن فراهم‌آوردن امکانات محیطی و کاهش تأثیرات زیست‌محیطی است (Forman, 2014; Steiner, 2014). در واقع شهرسازی بومگرا در تکامل شهرسازی منظرگرا و با حفظ خطوط اصلی آن توسط برخی از نظریه‌پردازان منظرگرا مطرح می‌شود. نظر به اینکه شهرسازی منظرگرا/بومگرا بر اهمیت عملکرد اکولوژیک نسبت به زیبایی صرف تأکید دارد، یکی از شعارهای آن به نمایش گذاردن المان‌های طبیعی در بافت شهر مانند زیرساخت سبز و کشاورزی شهری است (Waldheim, 2012, 39). البته این رویکرد یادآور موضع‌گیری مدرنیسم نسبت به زیبایی است (Thompson, 2012, 12). به عبارتی از دید نظریه‌پردازان این جریان فکری المان‌های با کارکرد اکولوژیک به خودی خود زیبا هستند (Waldheim, 2012, 75 & 79). در این صورت این‌چنین به ذهن متبادر می‌شود که آیا زیبایی‌شناسی تفکر منظرگرا-بومگرا جدید است یا در واقع لباسی نو بر تن زیبایی‌شناسی مدرن است. با این حال در بسیاری از پروژه‌های منتسب به این حرکت مشاهده می‌شود که المان‌های گفته شده فاقد عملکرد اکولوژیک مورد انتظار هستند (Duany & Talen, 2013, 106, 33-35) و جنبه‌های زیبایی پیکچرسک در آنها قابل مشاهده است.

مانند بسیاری از جنبش‌های دیگر، شهرسازی منظرگرا به علت فراهم‌آوردن شرایطی که ساکنان بومی منطقه را ترک می‌کنند^{۲۷} مورد انتقاد قرار گرفته است (Duany & Talen, 2013, 20; Steiner, 2014, 308). چرا که عمدتاً پروژه‌های منظرگرا در زمین‌های سوخته شهری با ارزش اقتصادی پائین شکل می‌گیرند و در پی تغییرات و بالارفتن کیفیت محیط، قیمت مسکن و نرخ خدمات نیز در آن ناحیه بالا می‌رود، در نتیجه ساکنان قبلی که عمدتاً از طبقات کم‌درآمد هستند مانند پروژه‌های های‌لاین نیویورک، منطقه را ترک می‌کنند (تصویر ۷). در این صورت ممکن است هویت اجتماعی



تصویر ۷. پروژه «های لاین» منتصب به جنبش منظرگرا/بومگرا. مأخذ: www.laidbacktrip.com.

و شهرهای هوشمند به مرکز توجه بدل می‌شود. (Joss, 2013; Cook & Dayot, 2017; Joss & Molella, 2013) از طرف دیگر اگرچه طراحان اکوشهرها ادعا می‌کنند که محیطی اجتماعی به همراه امکانات و تجهیزات لازم برای همه مردم فراهم می‌کنند اما افق دیدشان محدود به ساکنان آن پروژه خاص است (Caprotti, 2014) و معمولاً مردم با درآمد کم به امکانات و تجهیزات دسترسی ندارند. علی‌رغم نام واحدی که به اکوشهرها اطلاق می‌شود این پروژه‌ها معمولاً مجموعه ناهمگن از زیرپروژه‌هایی هستند که براساس ذهنیت‌های مختلف شکل گرفته‌اند (Cugurullo, 2018, 75). در نتیجه کارکرد آن به صورت یک سیستم با سؤال جدی مواجه می‌شود (ibid., 34).

• مدیریت پایداری^{۲۸}

پس از همه‌گیری مفهوم پایداری در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی و راهیابی آن به مراجع رسمی و گفتمان سیاسی، بیش از پیش نیاز به عملی‌ساختن این ایده احساس شد. برای نیل به این هدف نخستین نسل از سیستم‌های ارزیابی شکل گرفت که عمدتاً بخشی‌نگر و بر تعداد معدودی شاخص تکیه داشتند. از مهم‌ترین آنها می‌توان به چارچوب ارزیابی تأثیرات محیطی اشاره نمود. با ظهور سیستم ارزیابی بریم (BREEAM) برای

با نگاهی به اکوشهرهای موجود در می‌یابیم که ایدئولوژی تکنولوژی‌محور در اکثر جنبه‌های شهر مانند استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و سیستم‌های مدیریت فاضلاب شهری نمود پیدا کرده است. در این میان تفاوت اکوشهرها و شهرهای هوشمند بیشتر به تکیه شهرهای هوشمند بر علم اطلاعات و مدیریت شهری از طریق تکنولوژی اطلاعات بازمی‌گردد (Joss, Cook & Dayot, 2017). با این حال اگرچه اکوشهر و شهر هوشمند عنوان‌های متفاوتی دارند، دارای ریشه مشترک سرمایه‌داری هستند (Caprotti, 2015; Cugurullo, 2018) و توسعه براساس یک پلان کلی با جزئیات کامل را ترویج می‌کنند (Cugurullo, 2018, 74). تلاش برای پاسخ‌دادن به چالش‌های همه‌گیر جهانی را می‌توان دلیل گسترش سریع این جنبش‌ها در پهنه وسیع جهانی دانست اما اکوشهرها و شهرهای هوشمند^{۲۷} در دستیابی به اهدافشان و همچنین ایده‌آل‌های فکریشان موفق نبودند (Cugurullo, 2018; Sharifi, 2016) به عبارتی نتوانستند به تعهداتشان در زمینه پایداری وفادار بمانند. آنچه که به راستی در اکوشهرها مفقود است نقش و جایگاه انسان در شهر است (Joss & Molella, 2013, 127). به خصوص زمانی که مدیریت دانش‌محور در اکوشهرها

برخی معیارهای سهل‌تر که امتیاز بیشتری به همراه دارند پردازند و وجوه دیگر مورد غفلت واقع شود.

نتیجه‌گیری

در ۱۵۰ سال گذشته جنبش‌ها و حرکت‌های بسیاری در مقیاس محلات شکل گرفته که هدف آنها بهبود شرایط زندگی و حفاظت از منابع طبیعی بوده است و هریک به نحوی در صدد پاسخ‌گویی به مسائل خاص زمانی و جغرافیایی خود بوده‌اند. با این حال بسیاری از راه‌حل‌های پیشنهادشده تا امروز مورد استفاده قرار می‌گیرند که این امر خود نشان از قوت آنها دارد. از طرفی تعاریفی که امروزه از پایداری ارائه می‌شود اغلب دربرگیرنده طیفی از ویژگی‌هاست، مانند تأمین فضای باز عمومی، تأمین فضای سبز شهری، ایجاد کشاورزی شهری، حفاظت از منابع طبیعی، کاربری مختلط، حس مکان، مشارکت عمومی، مدیریت پسماند و کاهش مصرف انرژی. می‌توان این ویژگی‌ها را که در واقع مفهوم امروزی پایداری در مقیاس محلات را شکل می‌دهند، در راهبردها و خطوط اصلی جنبش‌های معماری-شهرسازی پیشین بازبانی کرد (جدول ۳) و به نوعی ادعا کرد که مفهوم پایداری برآیند تجربیات گذشته در مواجهه با مسائل و مشکلات محیط زندگی بشر بوده است. به عبارت دیگر پایداری اصولاً مفهومی است که در بطن خود تجربه‌محور است و حاصل انضمام ایده‌های موفق در طول زمان است. این نکته به‌خصوص در ساختار سیستم‌های ارزیابی پایداری نمود یافته به‌طوری که شاخص‌های آنها را می‌توان نماینده تجربیات موفق گذشته دانست داد.

نکته قابل توجه آنکه برخی نحله‌های فکری در راهبردها دارای نقاط اشتراک و همپوشانی هستند، به‌طور مثال جریان پارک‌ها و زمین بازی، باغشهر، مدرنیسم (رایت) و شهرسازی منظرگرا-بومگرا در توجه به گسترش فضای سبز شهری اشتراک دارند. همچنین جنبش توسعه نوسنت‌گرا و واحد همسایگی در راهبرد قرارگیری خدمات در فاصله پیاده‌روی همپوشان هستند. دو جریان توسعه نوسنت‌گرا و مدرنیسم در توجه به کاربری مختلط نیز وجه اشتراک دارند. از طرفی برنامه‌ریزی منطقه‌ای محیطی و جنبش منظرگرا-بومگرا بر حفاظت از منابع طبیعی تأکید ویژه دارند. این نقاط اشتراک در جدول بالا نیز قابل مشاهده هستند (جدول ۳). با بررسی رویکردهای نهضت‌های نیمه نخست قرن بیستم مشاهده می‌شود که جنبش‌هایی با غلبه تفکرات یوتوپایی و ایده‌آلیستی سرآمد بودند. در این رابطه می‌توان به جنبش باغشهرها و واحد همسایگی اشاره کرد که اثر قابل توجهی نیز بر جنبش‌های بعد از خود گذاردند. با توجه به رشد سریع علم و غلبه تفکرات علم‌مدار در نیمه

ارزیابی پایداری ساختمان در سال ۱۹۹۰ سیستم‌های ارزیابی یکپارچه معرفی شدند (Retzlaff, 2009; Sharifi & Murayama, 2013, 73). پس از آن سیستم‌های ارزیابی محلات در اواخر دهه ۹۰ میلادی عرضه گشتند و در دو دهه نخست قرن بیست‌ویکم با رشد خیره‌کننده‌ای در سراسر جهان گسترش یافتند و کشورهای مختلف یا سیستم ارزیابی بومی خود را ابداع و یا سیستم‌های مطرح بین‌المللی را طی تغییراتی بومی‌سازی کردند (جدول ۲). گسترش مرزهای ارزیابی ساختمان‌ها به مقیاس محله از دستاوردهای بزرگ علوم پایداری است که اجازه توجه به جنبه‌هایی را می‌دهد که به‌طور معمول مورد غفلت قرار می‌گیرند (Berardi, 2013, 1573). در واقع ابزارهای ارزیابی محلات را می‌توان نسل آخر ارزیابی تأثیرات محیطی به حساب آورد. مهمترین کارکرد این ابزارها اما کمک به فرایند تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری است. بدین ترتیب که با نگاهی سیستمی جایگاه موضوع مورد ارزیابی را در مسیر پایداری براساس شاخص‌های مختلف که زیرمجموعه تم‌ها و یا گروه‌های اصلی تر دسته‌بندی شده‌اند، مشخص می‌کنند و بستری مناسب برای پرداختن به مهمترین چالش‌های محلات فراهم کرده و از این نظر رویکردی مسئله‌محور درپیش می‌گیرند. قابل توجه آنکه این شاخص‌ها عمدتاً برگرفته از اهداف جنبش‌های پیشین و بیانیه‌های نهادهای رسمی بین‌المللی است و عموماً نوع و ترکیب این شاخص‌ها در سیستم‌های ارزیابی مختلف بسته به شرایط زمین‌های مختلف، متفاوت است. ویژگی مهم دیگری که این ابزارها دارند انعطاف‌پذیری آنهاست؛ به‌طوری که ایجاد تغییرات در ساخت محلات را در طول زمان و براساس وضعیت موجود همان مقطع زمانی ممکن می‌سازند.

اگر چه مطالعات زیادی در باب اثر بخشی این سیستم‌ها صورت نگرفته، اما رشد چشمگیر ابزارهای ارزیابی پایداری محلات و کلیدواژگان وابسته به آن همچون «ارزیابی پایداری» و «مدیریت پایداری» در ادبیات علمی دهه اخیر را می‌توان دلیلی بر موفقیت نسبی آنها دانست (تصاویر ۸ و ۹). از طرفی با توجه به نگاه سیستمی و کل‌نگر این ابزارها به نظر می‌رسد همراهی بیشتری نسبت به بسیاری از جریان‌ها با مفهوم پایداری دارند و مشارکت ایده‌هایی همچون پایداری اقتصادی و حمایت نهادهای حکمرانی را ملموس‌تر می‌کنند. با این حال انتقاداتی نسبت به نحوه شکل‌گیری و عملکرد آنها وجود دارد از جمله آنکه ابهاماتی در پایه‌های علمی روش‌های شکل‌گیری آنها وجود دارد. همچنین این خطر وجود دارد که توسعه‌دهندگان که به دنبال کسب تأییدیه این سیستم‌ها هستند به برآوردن

جدول ۲. تعدادی از مطرح‌ترین سیستم‌های ارزیابی پایداری در مقیاس محلات. مأخذ: نگارندگان.

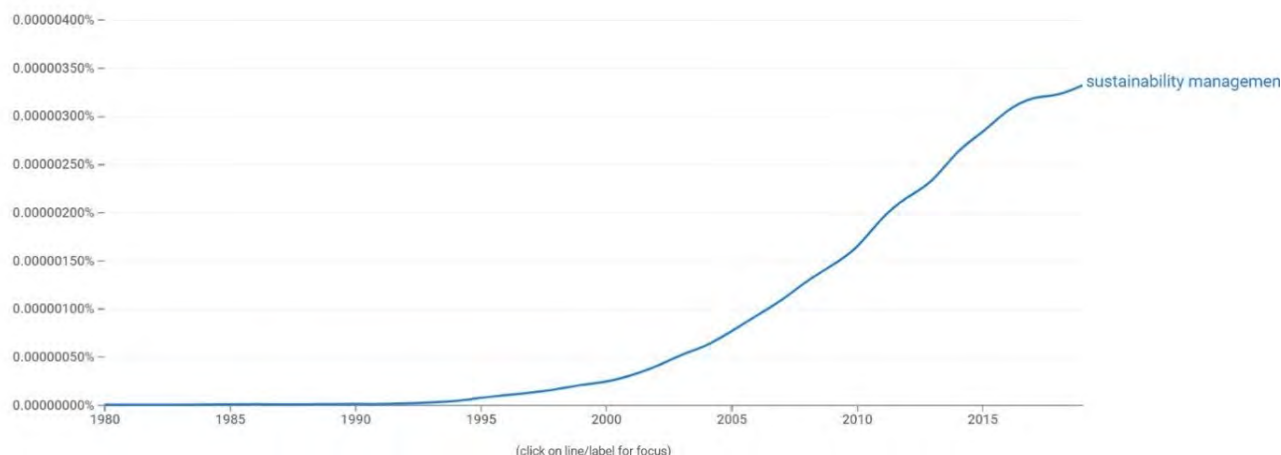
نام	متولی و توسعه‌دهنده	کشور	اولین نسخه	آخرین نسخه
LEED-ND	US Green Building Council	ایالات متحده	۲۰۰۷	۲۰۱۸
CASBEE-UD	Japan Sustainable Building Consortium (JSBC), and Japan Green Building Council	ژاپن	۲۰۰۶	۲۰۱۴
BREEAM Communities	(Building Research Establishment BRE	انگلستان	۲۰۰۹	۲۰۱۲
QSAS Neighborhoods	Gulf Organization for Research and Development	قطر	۲۰۱۱	۲۰۱۱
Green Star Communities	Green Building Council of Australia	استرالیا	۲۰۱۰	۲۰۱۶
HQEYR	CSTB	اتحادیه اروپا	۲۰۰۴-۲۰۰۱	-
Ecocity	EU research project	اتحادیه اروپا	۲۰۰۵-۲۰۰۲	-
DGNB	German Sustainable Building Council	آلمان	۲۰۱۱	۲۰۱۶
Green Townships	Indian Green Building Council	هند	۲۰۱۰	۲۰۱۰
EarthCraft Communities	EarthCraft, Greater Atlanta Home Builders Association	ایالات متحده	۲۰۰۵	۲۰۱۴
Pearls	Abu Dhabi UPC	ابوظیبی	۲۰۱۰	۲۰۱۰



تصویر ۸. نمودار روند رشد عبارت sustainability assessment در منابع گوگل بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۹. مأخذ: www.books.google.com/ngrams

که برخی همچون واحد همسایگی و توسعه سنت‌گرا بیشتر دغدغه‌های مشکلات اجتماعی را داشتند و برخی همچون برنامه‌ریزی بومگرا و شهرسازی، دغدغه زیست‌محیطی غلبه داشته است. اما موضوع مشترکی که در مرور همه جنبش‌ها رخ می‌نماید، فاصله نظر و عمل در آنهاست. بدین معنی که نمی‌توان هیچ جنبشی را در دسترسی به تمامی اهداف موفق دانست. یکی دیگر از نقدهای مشترکی که به نهضت‌های گذشته وارد می‌شود، رویکرد تجویزی و

دوم قرن بیستم، از طرفی شاهد قوت‌گرفتن رویکرد علمی و تکنولوژی‌محور مانند توسعه حمل‌ونقل‌محور و اکوشهرها در طراحی و برنامه‌ریزی محلات هستیم و از طرفی شاهد رشد جنبش‌های بومگرا و محیطی مانند برنامه‌ریزی منطقه‌ای بومگرا و شهرسازی منظرگرا/بومگرا هستیم که بر استفاده از روش‌های علمی برنامه‌ریزی در طراحی و ساخت محیط مصنوع تأکید دارند. البته می‌توان جنبش‌های فوق‌را از منظر رویکرد محیطی و یا اجتماعی نیز دسته‌بندی کرد. بدین معنا



تصویر ۹. نمودار روند رشد عبارت sustainability management در منابع گوگل بین سال‌های ۱۹۸۰-۲۰۱۹. مأخذ: www.books.google.com/ngrams.

جدول ۳. جنبش‌های پایداری محلات و نقش آنها در مفهوم امروزی پایداری. مأخذ: نگارندگان.

نقاط ضعف	زمان ظهور	افراد شاخص	مشارکت در مفهوم پایداری	تجربه‌های ناموفق
پارک‌ها و زمین‌های بازی	از دهه ۱۸۹۰	جوزف لی	تعاملات اجتماعی، سلامت عمومی، فضای باز عمومی	-
باغشهرها	از دهه ۱۹۰۰	ابنزر هاوارد	کمربند سبز، شهرهای اقماری، زون‌بندی، معرفی تکنولوژی‌های جدید، تولید غذا - محلات خودکفا، کشاورزی شهری	پلان‌های ایده‌آل‌گرا، جبرگرایی فیزیکی
واحد همسایگی	از دهه ۱۹۱۰	کلارنس پری	دسترسی به خدمات در فاصله پیاده‌روی، محدود کردن ترافیک سواره در داخل واحد همسایگی، خودکفایی	جداسازی اجتماعی، جبرگرایی فیزیکی
برنامه‌ریزی محیطی منطقه‌ای	از دهه ۱۹۲۰	لویس مامفورد کلارنس استین یان مک هارگ	اهمیت علم و روش‌های علمی در برنامه‌ریزی، حفاظت از منابع طبیعی	عدم ضمانت اجرایی
مدرنیزم	از دهه ۱۹۳۰	فرانک لوید رایت (براداکر سیتی)	الگوی ارگانیک، خدمات اکوسیستم، منظر به‌عنوان زمینه، عدالت اجتماعی	وابستگی به اتومبیل، عدم حساسیت زیست‌محیطی
مدرنیزم	از دهه ۱۹۳۰	لوکوربوزیه	تراکم‌گرایی، کاربری مختلط	وابستگی زیاد به اتومبیل، کم‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی
توسعه نوسنت‌گرا	از دهه ۱۹۸۰	پیتر کالتروپ اندروس دوانی الیزابت پلاتر زایبرگ	کاربری مختلط، خیابان‌های پیاده‌محور، هویت مکان، تکثرگرایی، حس مکان، تراکم، مشارک عمومی، فضای عمومی	جبر فیزیکی مسلط، کم‌توجهی به مسائل زیست‌محیطی
شهرسازی منظرگرا/بومگرا	از دهه ۱۹۹۰	چارلز والدهایم جیمز کرنر محسن مصطفوی فردریک استینر ریچارد فورمن گرت دوهرتی	مشارکت سیاسی، توسعه ارگانیک، زیرساخت سبز، تکثرگرایی، منظر به‌عنوان واحد سازنده، تغییرات در طول زمان، حفاظت از منابع طبیعی، زیرساخت سبز، خدمات اکوسیستمی، اکوسیستم شهری	گسست طبقاتی و مهاجرت ساکنان با درآمد کم، مشکلات همراه با کاربری جریان‌های اکولوژیک در محیط محله
اکوشهرها	از دهه ۱۹۸۰	ریچارد رجیستر	بهره‌گیری از تکنولوژی‌های سبز، کربن صفر، مدیریت پسماند، کاهش مصرف انرژی	نادیده گرفتن انسان و تعاملات اجتماعی، گسست طبقاتی
مدیریت پایداری محلات	از ۲۰۰۰	مؤسسات متولی سیستم‌های ارزیابی محلات	رویکرد کل‌نگر و سیستمی، اصلاح تدریجی و در طول زمان	تقلیل اصول پایداری به عدد، امکان پرداخت به برخی جنبه‌های امتیازآور و غفلت از بقیه

the Sino-Singapore Tianjin Eco-City, China. *Cities*, 36, 10-17.

- Caprotti, F. (2015). *Eco-Cities and the Transition to Low Carbon Economies*. Basingstoke: Palgrave Macmillan.
- Choguill, C. L. (2008). Developing sustainable neighbourhoods. *Habitat International*, 32(1), 41-48.
- Cugurullo, F. (2013). How to build a sandcastle: An analysis of the genesis and development of Masdar City. *Journal of Urban Technology*, 20(1), 23-37.
- Cugurullo, F. (2018). Exposing smart cities and eco-cities: Frankenstein urbanism and the sustainability challenges of the experimental city. *Environment and Planning A: Economy and Space*, 50(1), 73-92.
- Daniels, T. L. (2009). A trail across time: American environmental planning from city beautiful to sustainability. *Journal of the American Planning Association*, 75(2), 178-192.
- Duany, A. & Plater-Zyberk, E. (1992). The second coming of the American small town. *Wilson Quarterly*, 16(1), 3-51.
- Duany, A. & Talen, E. (2013). *Landscape urbanism and its discontents: Dissimulating the sustainable city*. Canada: New Society Publishers.
- Fishman, R. (1982). *Urban Utopias in the Twentieth Century: Ebenezer Howard, Frank Lloyd Wright, and Le Corbusier*. Cambridge: MIT Press.
- Forman, R. T. (2014). *Urban Ecology: Science of Cities*. Cambridge: University Press.
- Frost, J. (2012). Evolution of American Playgrounds. *Scholarpedia*, 7(12), 30423.
- Gillette Jr, H. (1983). The evolution of neighborhood planning: From the progressive era to the 1949 housing act. *Journal of Urban History*, 9(4), 421-444.
- Howard, E. (1902). *Garden Cities of Tomorrow*. Swan Snnenschein.
- Isaacs, R. R. (1948). The Neighborhood Theory: An Analysis of its Adequacy. *Journal of the American Institute of Planners*, 14(2), 15-23.
- Joss, S., Cook, M. & Dayot, Y. (2017). Smart Cities: Towards a New Citizenship Regime? A Discourse Analysis of the British Smart City Standard. *Journal of Urban Technology*, 24(4), 29-49.
- Joss, S. & Molella, A. P. (2013). The Eco-City as Urban Technology: Perspectives on Caofeidian International Eco-City (China). *Journal of Urban Technology*, 20(1), 115-137.
- Khattak, A. J. & Rodriguez, D. (2005). Travel behavior in neo-traditional neighborhood developments: A case study in USA. *Transportation Research Part A: Policy and Practice*, 39(6), 481-500.
- McArthur, B. (1975). The Chicago Playground Movement: A Neglected Feature of Social Justice. *Social Service Review*, 49(3), 376-395.

پیشنهاد راه‌حل در قالب یک پلان کلی است که مسئله جبر فیزیکی را به همراه دارد. شاید این مسئله یکی از علل رشد تصاعدی سیستم‌های ارزیابی پایداری در مقیاس محلات است که از دید نگارندگان می‌توان آنها را تحت عنوان جریان مدیریت پایداری طبقه‌بندی کرد. این جریان در تطابق با مفاهیم پایداری رویکردی کل نگر و سیستمی را ترویج می‌کند و تغییرات در محیط محلات را به‌صورت تدریجی و براساس شرایط زمینه پی می‌گیرد. در نتیجه در حال حاضر می‌توان آن را به‌عنوان رویکردی تأثیرگذار و قدرتمند در شکل‌دهی به محلات قلمداد نمود که افق جدیدی برای تکامل و توسعه مفهوم پایداری می‌گشاید.

بی‌نوشت‌ها

- ۱. Grounded Theory
- ۲. Neighborhood Sustainability
- ۳. Neighborhood Movements
- ۴. Eco-town, Eco-districts, Green cities, Eco city, Eco-garden City
- ۵. Parks and Playground Movement
- ۶. NGO (Nongovernmental Organization)
- ۷. Garden City
- ۸. Sunny yard garden
- ۹. Radburn
- ۱۰. Letchworth
- ۱۱. Neighborhood Unit
- ۱۲. Charles Horton Cooley
- ۱۳. Regional Ecological Planning
- ۱۴. Wilderness
- ۱۵. Modernism Movement
- ۱۶. Urban Renewal
- ۱۷. Neo-Traditionalism
- ۱۸. Andres Duany
- ۱۹. Congress for New Urbanism (NTD)
- ۲۰. Traditional Neighborhood Development
- ۲۱. Transit Oriented Development
- ۲۲. Landscape Ecological Urbanism
- ۲۳. Seeding
- ۲۴. Gentrification
- ۲۵. Eco-City Movement
- ۲۶. Masdar
- ۲۷. Smart Cities
- ۲۸. Sustainability Management

فهرست منابع

- Barnett, J. (2016). *City design: Modernist, Traditional, Green and Systems Perspectives*. London: Routledge.
- Basiago, A. D. (1996). The search for the sustainable city in 20th century urban planning. *Environmentalist*, 16(2), 135-155.
- Benton-Short, L. & Short, J. R. (2008). *Cities and Nature*. London: Routledge.
- Berardi, U. (2013). Sustainability assessment of urban communities through rating systems. *Environment, Development and Sustainability*, 15(6), 1573-1591.
- Calthorpe, P. (1993). *The Next American Metropolis: Ecology, Community, and the American Dream*. Princeton NJ : Princeton Architectural Press.
- Caprotti, F. (2014). Critical research on eco-cities? A walk through

- Miles, M. (2007). *Urban Utopias: The Built and Social Architectures of Alternative Settlements*. London: Routledge.
- Mostafavi, M. & Doherty, G. (2010). *Ecological Urbanism*. Baden, Switzerland : Lars Müller Publishers.
- Mostafavi, M. (2015). *Keynote: "Ecological Urbanism."* Retrieved November 10, 2015, from <https://www.youtube.com/watch?v=OhiOfJTfm54>.
- Mumford, L. (1927). Regionalism and irregionalism. *The Sociological Review*, 19(4), 277–288.
- Mumford, L. (1954). The Neighborhood and the Neighborhood Unit. *The Town Planning Review*, 24(4), 256–270.
- Nasar, J. L. (2003). Does neotraditional development build community? *Journal of Planning Education and Research*, 23(1), 58–68.
- Perry, C. (1929). City planning for neighborhood life. *Social Forces*, 8(1), 98–100.
- Register, R. (2006). *Ecocities: Rebuilding Cities in Balance with Nature*. Gabriola Island, BC: New Society Publishers.
- Retzlaff, R. C. (2009). Green buildings and building assessment systems: A new area of interest for planners. *Journal of Planning Literature*, 24(1), 3–21.
- Rohe, W. M. (2009). From local to global: One hundred years of neighborhood planning. *Journal of the American Planning Association*, 75(2), 209–230.
- Sharifi, A. & Murayama, A. (2013). A critical review of seven selected neighborhood sustainability assessment tools. *Environmental Impact Assessment Review*, 38, 73–87.
- Sharifi, A. (2016). From Garden City to Eco-urbanism: The quest for sustainable neighborhood development. *Sustainable Cities and Society*, 20, 1–16.
- Silver, C. (1985). Neighborhood Planning in Historical Perspective. *Journal of the American Planning Association*, 51(2), 161–174.
- Steiner, F. (2011). Landscape ecological urbanism: Origins and trajectories. *Landscape and Urban Planning*, 100(4), 333–337.
- Steiner, F. (2014). Frontiers in urban ecological design and planning research. *Landscape and Urban Planning*, 125, 304–311.
- Talen, E. (2005). *New Urbanism and American Planning: The Conflict of Cultures*. London: Routledge.
- Thompson, I. H. (2012). Ten Tenets and Six Questions for Landscape Urbanism. *Landscape Research*, 37(1), 7–26.
- Tu, C. C. & Eppli, M. J. (2001). An Empirical Examination of Traditional Neighborhood Development. *Real Estate Economics*, 29(3), 485–501.
- Turner, T. (2014). *Landscape design: Theory and methods*. Retrieved from <https://www.gardenvisit.com/ebooks>.
- Waldheim, C. (2012). *The Landscape Urbanism Reader*. New York: Chronicle books.
- Waldheim, C. (2016). *Landscape as Urbanism: A General Theory*. New York: Princeton University Press.
- Wheeler, S. M. (2013). *Planning for Sustainability: Creating Livable, Equitable and Ecological Communities*. London: Routledge.
- Wright, F. L. (1935). Broadacre City: A new community plan. *Architectural Record*, 77(4), 243–254.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:
محبی، حمید و طاهباز، منصوره. (۱۴۰۰). جنبش‌های مؤثر بر مفهوم پایداری در مقیاس محلات (تحلیلی بر نظریه‌ها). *باغ نظر*، ۱۱(۱۰۵)، ۹۳-۱۱۰.

DOI:10.22034/BAGH.2021.290519.4915
URL:http://www.bagh-sj.com/article_139901.html

